



## بررسی نقش فرهنگی - اجتماعی شهید حاج قاسم سلیمانی در مشارکت مردم بر امنیت داخلی

احمد علی بیگدلی<sup>۱</sup> | محمدرضا بشارتی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا مهم‌ترین عوامل مؤثر در مشارکت مردم بر امنیت داخلی را با تأکید بر نقش شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، با ترکیب دو روش بررسی اندیشه شهید و چارچوب تحلیلی به پرسش «تعیین عوامل مؤثر در مشارکت مردم بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی» پاسخ دهد. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد جامعه آماری این پژوهش برای مصاحبه اساتید دانشگاه‌ها، مدیران دستگاه‌های امنیتی، سیاسی، فرماندهان نظامی و انتظامی هستند، گذشته از مطالعات پایه و مرور تحقیقات پیشین، اطلاعات اساسی پژوهش از طریق انجام مصاحبه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تلاش همگانی جامعه ایران اسلامی، به ویژه نهادها و دستگاه‌های امنیتی و سیاسی در راستای ارتقای مشارکت مردمی در امنیت داخلی امری ضروری است و باید فعالیت‌های افزون‌تری را برای فراهم کردن بسترهای قانونی، تعامل و ارتباط با مردم، فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی، تغییر ساختار و تمرکززدایی از قدرت در نهادهای متولی امنیت، توجه به عنصر سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین عنصر سازنده آن یعنی اعتماد عمومی و افزایش احساس مسئولیت اجتماعی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل مؤثر در مشارکت، امنیت داخلی، تجارب میدانی، قاسم سلیمانی، فرهنگی و اجتماعی

## مقدمه

امنیت عمومی مهم‌ترین کار ویژه دولت‌ها به معنای اعم و فلسفه وجودی حاکمیت کشور می‌باشد که برای تأمین آن، روند و رویکردهای قابل توجهی در ادبیات امنیت پدید آمده است. از دیرباز امنیت دارای ریشه انسانی و مردمی بوده است و حکومت‌ها با ایجاد امنیت، محور اصلی حکومت خود را تشکیل داده‌اند؛ بنابراین اولین مطالبه هر ملتی از حکومت خود امنیت است. برخلاف این اصل هدف بعضی از حکومت‌ها ایجاد منافع طبقه مسلط و حاکم بر جامعه یا کشور بوده و امنیت به عنوان یکی از لوازم توسعه و اهرم مورد نیاز در فرآیند اصلاحات مورد توجه واقع شده است. اینگونه حکومت‌ها خیلی پایدار نیستند و دائماً در کنش با مردم هستند. هم‌اکنون امنیت عمومی با رویکرد مشارکت‌جویی و جامعه‌محوری اهمیت یافته است و این بدان معناست که امنیت موضوعی فرابخشی است که جامعه یا نهادهای امنیتی، هر کدام به تنهایی قادر به تولید، حفظ و توسعه آن نیستند؛ بلکه کل نظام اجتماعی و منافع جمعی، درگیر آن است و تأمین آن بدون مشارکت و همکاری (ارگانیک) مردم و دولت<sup>۱</sup> مقدور نخواهد بود.

این موضوع در کشورهای در حال گذار و توسعه، ضرورت بیشتری دارد؛ بنابراین پرداختن به مبحث امنیت داخلی از منظر جامعه‌نگر و رفتارشناسی با تأکید بر تجارب میدانی نخبگان ملی همچون شهید سپهبد شهید «حاج قاسم سلیمانی» مبتنی بر عدالت، انصاف، اخلاق، عمل به تکلیف، شجاعت، ایثار، از خودگذشتگی و کاریزماتیک بودن موجب تأثیرگذاری بر مشارکت نهادینه مردم شده که از نیازهای اساسی کشور و دستگاه‌های مسئول امنیت داخلی است. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد با امعان نظر به اهمیت و ضرورت پژوهش به جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی این نیاز پاسخ گوید:

## بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین موضوعات در امر اداره کشور، امنیت داخلی آن است و مهم‌ترین و مطمئن‌ترین شیوه‌ها برای حفظ و تداوم امنیت داخلی، بهره‌گیری از پشتیبانی و حمایت آحاد مردم جامعه می‌باشد تا بتوان به کمک و مساعدت آنها تولید امنیت نموده و آن را حفظ، توسعه و پایدار

1 State Nation

ایجاد شده است. مهم‌ترین راه برای به دست آوردن حمایت مردم، منسجم کردن آنها توسط افراد کاریزما و اثر بخش در هدایت افرادی که دارای علائق، منافع و یا آرمان مشترک هستند. گرچه موضوع انسجام‌بخشی ممکن است از زوایای گوناگون قابل کاوش باشد، اما در این پژوهش، نقطه تمرکز بحث پیرامون منسجم نمودن مردم در چارچوب جامعه‌پذیری و مشارکت در امنیت داخلی کشور است. با توجه به اینکه گستره مشارکت در امنیت داخلی از چنان وسعت و تنوعی برخوردار است که بهره‌گیری نظام‌مند را از این تعاون و همکاری بسیار دشوار می‌نماید و حتی سازمان بسیج که یک تشکل مردمی نظام‌مند است، نیازمند مدیریت راهبردی خاص است؛ بنابراین با امعان نظر به ۴۳ سال مقاومت و تجارب ارزشمند و گران‌سنگ انقلاب اسلامی در این عرصه، ضرورت تکیه بر تجارب میدانی را با محوریت افراد اثرگذار بر مشارکت و قابلیت‌های بهره‌بردارانی از آن دوچندان می‌کند. نقش محوری فرماندهان، مدیران و شخصیت‌های تأثیرگذار به ویژه در چهار دهه گذشته در محیط ملی انکارناپذیر است. از این رو، پرداختن به اشخاص و دستیابی به نظام اندیشه‌ای و نوع معرفت به هستی‌شناسی امنیتی آنها در مواجهه با بحران‌ها و آشوب‌ها امری ضروری است. در این میان، شخصیت سپهبد شهید قاسم سلیمانی یکی از موضوعات درخور پژوهش در حوزه امنیت پژوهی است.

دیگر دلایل انتخاب این موضوع آن است که شخصیت بارز سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت پایدار ایران اسلامی است.

همچنین برای تحقق انسجام‌بخشی و مشارکت مردم، روش‌های مختلفی وجود دارد و به نظر می‌رسد ارتقای سطح آگاهی مردم راجع به فواید مشارکت و نتیجه آن که می‌تواند امنیت باشد و همچنین سبک و اندیشه شهید به مثابه موضوعی مهم و جدی در حوزه امنیت پژوهی و به عنوان تجربه‌ای ماندگار در ردیف دستاوردهای اندیشه‌ای و معنایی انقلاب اسلامی، یکی از روش‌های مهم و مطلوب نسبت به جلب مشارکت مردم است. اگر انسان‌ها اهمیت موضوع و تبعات ناخوشایند ناامنی را درک کنند، مشارکت خود را در این راستا به کار خواهند گرفت. مشارکت و همکاری مردم در امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انتظامی امنیتی باعث افزایش سطح امنیت کشور و به وجود آمدن احساس امنیت و نیز انسجام می‌شود. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مهم‌ترین عوامل مؤثر در مشارکت نهادینه مردم بر امنیت داخلی با تأکید بر

تجارب میدانی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی می‌باشد که با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی (پیمایشی) انجام شده که بیانگر رابطه معنادار بین مؤلفه‌های مشارکت نهادینه مردم و به وجود آمدن امنیت است.

مهم‌ترین عوامل مؤثر فرهنگی- اجتماعی در مشارکت نهادینه مردم بر امنیت داخلی با تأکید بر نقش سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی کدامند

برای انجام این پژوهش متناسب با موضوع مورد نظر از روش پژوهش آمیخته<sup>۱</sup> (کمی- کیفی) استفاده شده است که داده‌های اطلاعاتی آن با توجه به روش فوق تنظیم و نتیجه‌گیری شده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش عبارتند از:

الف) در بخش نظری از طریق مطالعه متون و منابع، ادبیات پژوهش بررسی و استخراج شده است.  
ب) در بخش عملی یا میدانی داده‌ها، از طریق مصاحبه با هم‌زمان، پیشکسوتان، روایت‌گران و یادگاران هشت سال دفاع مقدس و خبرگان انجام شده است.

ج) جامعه آماری هدفمند و تمام‌شمار به تعداد ۵۰ نفر جمع‌آوری شده است. این پژوهش توصیفی، تحلیلی (پیمایشی) است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و دستیابی به اهداف مدنظر از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها و با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری از قبیل روش‌های جداول توصیف فراوانی، آزمون تی ۲ و ... در جهت شناسایی میزان موفقیت و شاخص‌های مهم آن‌ها تحلیل گردیده و به بررسی آماری بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و شاخص‌های مهم آن‌ها و در نهایت اولویت‌بندی پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی تشریح شده است. در بخش توصیفی ابتدا مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان در مورد ویژگی‌های جامعه نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفت و سپس در بخش بعدی نتایج حاصل از مؤلفه‌های پرسش‌نامه به‌منظور رسیدن به شاخص‌ها و اولویت‌بندی پاسخ‌ها توصیف گردید و آنگاه در بخش تحلیلی با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری، میزان قابل اعتماد بودن نتایج به دست آمد و به بررسی پرسش‌های پژوهش پرداخته شد و سپس با اولویت‌بندی نیازهای به دست آمده، به پرسش پژوهش پاسخ داده شد.

## مبانی نظری

روش‌های لازم فهم اندیشه نرم‌افزاری و عملی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در مشارکت نهادینه مردم بر امنیت داخلی این است که بدانیم، امنیت و دفاع در برابر تهدید از نیازهای اساسی و اولیه بشری و لازمه طبیعی حیات هر موجودی است و به همین دلیل، تعمق و تفکر در مورد آن، امری فطری و طبیعی است.

«اندیشه» در لغت به معنای «اندیشیدن»، تأمل کردن، تفکر کردن و به طور کلی اعمال خاص ذهن انسان است. هر اندیشه‌ای دارای مؤلفه‌های اصلی «انسجام منطقی یعنی ارتباط ابعاد اندیشه و اجزای آن با هم»، «قابلیت استدلال عقلایی و منطقی» و «اهمیت به معنای ارزشمند بودن از لحاظ نظری و عملی» است و به هر کسی که این مؤلفه‌ها را در اندیشه خود داشته باشد، «اندیشمند» گویند. در مورد اندیشه نرم‌افزاری سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی دو تعریف عام و خاص (معرفت‌شناسانه) می‌توان ارائه کرد:

تعریف عام به معنای هرگونه تفکر درباره امنیت و تعریف خاص به معنای هرگونه اندیشه منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امور امنیتی است. منظور از امر امنیتی نیز اموری است که به گونه‌ای با موجودیت و بقای یک سرزمین و حفظ حاکمیت ارتباط دارد. از این منظر، اندیشه نرم‌افزاری ایشان، ارتباط وثیقی با اندیشه سیاسی و اجتماعی اندیشمندان دارد و در ذیل آنها قرار می‌گیرد؛ به عبارتی، اگر ملتی قائل به نظام‌سازی و گشایش ساختارهای سیاسی و حکومتی مبتنی بر باورها و ارزش‌های اعتقادی خود باشد، بدون شک در درون تأمل‌های اندیشه‌ای رهبران فکری آن جامعه باید نیم‌نگاهی نیز به مسئله تدبیر امور امنیتی داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸)

## مفهوم مشارکت

حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد در مناطق متعددی از جهان شرایط مطلوبی ظاهر شد و در پی آن گروه‌های کوچکی از مردم به ایجاد نظام‌های حکومتی جدیدی مبادرت کردند که در نتیجه، فرصت‌های نسبتاً مناسبی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی مهیا شد. مفهوم مشارکت در جامعه بسته (قبیله‌ای و اشتراکی) که بر اساس تصمیمات رسوم قبیله‌ای است، با مفهوم مشارکت در جامعه‌ای که بر اساس تصمیمات شخصی، آگاهانه و داوطلبانه صورت می‌گیرد، تفاوت دارد (پوپر،

۱۳۶۹: ۱۰۲). اسملسر<sup>۱</sup> بر این باور است که در جوامع ساده و سنتی زندگی دسته‌جمعی و مشترک با مبانی حیات اجتماعی از قبیل پیوندهای خویشاوندی، قبیله، ایل و تبار سخت در هم تنیده است. در این گونه جوامع، تشکیلات رسمی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های داوطلبانه و گروه‌هایی که منافع مشترکی دارند، کمتر توسعه می‌یابند. با وجود این، در یک جامعه صنعتی و شهری بقای روابط سنتی برای حیات دسته‌جمعی و مشترک کفایت نمی‌کند (وینر، ۱۳۵۰: ۹۵).

در طول تاریخ همواره تمرکز به سوی عدم تمرکز در تمامی زمینه‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بوده است. در دهه‌های اخیر تحقیقات عمده‌ای در زمینه «مشارکت»<sup>۲</sup> صورت گرفته است؛ به ویژه بخش اعظم این مطالعات را سازمان ملل انجام داده که هدف اصلی آنها بسترسازی برای گسترش مشارکت در کشورهای جهان سوم است. کنفرانس جهانی اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی که به وسیله فائو در ژوئیه ۱۹۷۹ در رم برگزار شد، به اتفاق آرا پذیرفت که برای نیل به «دموکراسی مشارکتی»، می‌بایست به مشارکت به عنوان «حق اساسی بشر» توجه کرد. مشارکت را می‌توان هدفی اخلاقی به معنای روشی برای آموزش مردم به شرکت در اتخاذ تصمیمات گروهی و درعین حال سهمی شدن در مسئولیت‌ها دانست. در فرایند مشارکت، همه اشخاص شرکت کننده باید امتیاز بدهند و بیاموزند که به نحوی دموکراتیک عمل کننده، بدین ترتیب، مشارکت فرایندی از خودآموزی اجتماعی و مدنی است؛ زیرا فعالیت برای مشارکت، مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در همه سطوح است.

در فرهنگ‌های مختلف لغات و اصطلاحات، در برابر واژه مشارکت این معانی به کار رفته است: اشتراک مساعی،<sup>۳</sup> قدرت دادن،<sup>۴</sup> سهمی شدن،<sup>۵</sup> بسیج مردم،<sup>۶</sup> مسئولیت‌پذیری،<sup>۷</sup> واگذاری امور،<sup>۸</sup> خودگردانی،<sup>۹</sup> تقسیم کار،<sup>۱۰</sup> انسانی کردن،<sup>۱۱</sup> خودیاری،<sup>۱۲</sup> خوداتکایی<sup>۱۳</sup> و عدم تمرکز<sup>۱۴</sup>. به

1. Smelser
2. Participation
3. Collaboration
4. Empowering
5. Sharing
6. Mobilization
7. Sponsorship
8. Free-Rein
9. Self-Management
10. Division Of Labor
11. Humanitization
12. Self-Help
13. Self-Reliance
14. Decentralization

علاوه، این مفهوم بیشتر در کنار واژه «توسعه» به کار رفته است و با ترکیب آنها نگرش جدید توسعه مشارکتی<sup>۱</sup> رایج شده است.

مفاهیم و راهبردهای نوین مشارکتی از دیدگاه‌های مرسوم مفهوم‌سازی و عملیاتی توسعه فراتر می‌رود و میان دو مفهوم توسعه و مشارکت پیوندی ناگسستنی برقرار می‌سازد، این مفاهیم و راهبردهای نوین عبارتند از:

الف) توسعه از پایین؛

ب) توسعه بر اساس راهبرد نیازهای اساسی؛

ج) توسعه مستقل و متکی به خود؛

د) توسعه از درون؛

ه) توسعه انسان‌محور؛

و) توسعه جهان‌گستر و مبتنی بر نظم اقتصاد نوین بین‌المللی (پاتریشیا و کریستونا، ۱۳۷۷: ۳)

برخی از صاحب‌نظران در تعریف و تحلیل مشارکت از توسعه محلی فراتر رفته و با نگرش کلان‌بدان پرداخته‌اند. آنان مشارکت را به معنی «شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات» دانسته‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). در بسیاری از نوشته‌ها، کنش مشارکتی از طریق سه شاخص محوری از کنش غیر مشارکتی که گاه از آن به عنوان ارکان مشارکت یاد می‌شود، تفکیک شده است:

الف) داوطلبانه بودن که بر وجود عنصر اختیار در کنش مشارکتی اشاره دارد؛

ب) آگاهانه بودن، یعنی کنشگر نسبت به موضوع اطلاع و شناخت داشته باشد؛

ج) مسئولیت‌پذیری در برابر کنش و آثار مرتبط با آن.

با هدف شناخت عمیق‌تر مشارکت، طبقه‌بندی‌های مختلفی از آن ارائه شده است که از آن میان مشارکت فرهنگی است که ارتباط تنگاتنگی با مشارکت سیاسی دارد. در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی در جوامع چند فرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی در جوامع چند قومی، از

1. Participatory

عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی است. از مباحث مهم مشارکت فرهنگی که ارتباط محکمی با مشارکت سیاسی دارد، آموزش‌های مدنی است. از دیگر عرصه‌های مشارکت فرهنگی، تشکیل انجمن‌ها، گروه‌های مشارکت و در مجموع تقویت نهادهای مدنی است که دو وظیفه اساسی؛ یعنی حفظ آزادی‌های فردی و ارتقای وفاق جمعی را دارند. در واقع، بدون ارتقای سطح آگاهی‌های افراد و تقویت شعور جمعی و درک منافع گروهی، نمی‌توان به حفظ و تقویت جامعه مدنی پرداخت. مشارکت اجتماعی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود. گرچه تمامی اشکال مشارکت دارای نوعی رابطه اجتماعی‌اند و از این رو در بخش جامعه‌شناختی به شمار می‌آیند، عرصه‌هایی در زندگی جمعی وجود دارد که آنها را از خرده‌نظام اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جدا می‌کند. چنین عرصه‌هایی به عمل متقابل گروه‌های اجتماعی با محیط پیرامونشان مربوط است. مشارکت‌های محلی، روستایی، شهری، انواع انجمن‌ها و ... از جمله عرصه‌های مشارکت اجتماعی هستند. مفهوم شهروندی، نقطه اشتراک مشارکت اجتماعی و سیاسی است. مبارزه مشترک افراد برای حق تشکیل انجمن‌ها، اجتماعات، سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی به عنوان حقوق اولیه شهروندی، از مظاهر مهم مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید (پیران، ۱۳۷۶: ۱۲).

مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه با هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند. مشارکت اجتماعی همچنین فرایندی است که از طریق آن شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود. گرایش جدی سازمان‌های بین‌المللی و برخی حکومت‌ها به سوی مشارکت‌های مردمی، به دلیل کارکردهای مثبت آن در حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است. در واقع، عده‌ای مشارکت را عنصری کلیدی در توسعه قلمداد کرده‌اند. چنانچه بتوان مشارکت را به طور معناداری در فرایند توسعه دخالت داد، موفقیت آن تضمین خواهد شد. به ندرت اتفاق می‌افتد که پژوهشی در زمینه راهبردها و روش‌های توسعه انجام گیرد و در آن به مشارکت پرداخته نشود. این امر تا بدانجا پیش رفته که به زعم بسیاری از محققان، توسعه مترادف با مشارکت تعریف شده است.



## تبیین مشارکت مردمی

هر چند تبیین نظری<sup>۱</sup> (جامعه‌شناختی) مشارکت، به صورت تفصیلی نیازمند فرصت ویژه‌ای است و ما چنین قصدی را در اینجا نداریم؛ اما به نظریه‌های عمده‌ای خواهیم پرداخت که به پشتوانه نظری آنها می‌توان موانع و راهکارهای گسترش مشارکت‌های مردمی را شناسایی و تحلیل کرد. نظریه‌های اختیار عاقلانه<sup>۲</sup>، عمل جمعی، تفسیرگرایی، ساختارگرایی و کارکردگرایی تبیین‌های روشنی از مشارکت‌های مردمی ارائه می‌کنند.

نظریه اختیار عاقلانه، آدمیان را مخلوقات عالم و قاصد تعریف می‌کند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. این نظریه، اغراض و معتقدات افراد را اصل قرار می‌دهد و بر مبنای آن، تحلیلی صوری از تصمیم‌گیری سنجیده و عاقلانه به دست می‌دهد. الگوی تبیین اختیار عاقلانه، یک اصل محوری دارد که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است. فرض بر این است که آدمیان در انتخاب یک راه از بین راه‌های مختلف، راهی را که با اغراضشان همسو است اختیار می‌کنند. برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان آن را می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف، اقدام به گزینش یک راه می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی خاص باشد. پس برای تبیین رفتار فرد باید ابتدا اغراض و معتقدات او را معین نمود و سپس نشان داد که آن عمل، شیوه خردپسندی برای رسیدن به آن اغراض در چارچوب آن معتقدات است. این نظریه شیوه ساده‌ای از استدلال را اصل قرار می‌دهد، مانند استدلال بر مبنای بیشترین فایده بردن. رویکرد اختیار عاقلانه در مقام تبیین بر آن است که اتفاقات اجتماعی، از قبیل بروز اعمال دسته‌جمعی، وجود نهادهای بادوام اجتماعی و فرایند تحولات اجتماعی و اقتصادی، حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که براساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۵). استنباط تجربی از تئوری اختیار عاقلانه این است که برای تجهیز مشارکت‌های مردمی باید برنامه‌ریزان به دنبال پروژه‌هایی باشند که نتایج فوری و ملموسی دارند.

یکی از عرصه‌های قابل توجه در نظریه اختیار عاقلانه، تئوری عمل جمعی<sup>۳</sup> است. طرفداران این تئوری قائل به نوعی تناقض میان عقلانیت فردی و عمل جمعی هستند. آنان محصول عمل

1. Theoretical explanation
2. Rational Choice Theories
3. Theory of Collective Action

جمعی را از نوع «کالاهای همگانی» می‌دانند و معتقدند که انسان‌های عاقل و نفع‌طلب به دنبال منافع عمومی گروه خود نیستند. تلاش جمعی و مشارکت گروه‌ها و جماعت برای تحقق اهداف جمعی در طول تاریخ همواره مورد توجه بوده است. با این حال، «مکنون اولسون»<sup>۱</sup> بر این باور است که در رفتار گروهی و مشارکتی، انگیزه‌ای عقلانی برای طفیلی‌گری و سربرار دیگران شدن وجود دارد. بدین صورت که هر یک از مشارکت‌کنندگان که می‌توانند در تأمین نفع مشترک سهیم شوند، ترجیح می‌دهند خودشان سربرار دیگران شوند.

اولسون معتقد است: «گرچه همه اعضای گروه تعلق خاطر مشترک به تحصیل منفعت جمعی دارند، چنین نیست که همه مایل باشند هزینه تحصیل آن منفعت جمعی را پردازند. هر یک می‌خواهند که دیگران جمیع مخارج را پردازند تا او هم از منفعت حاصله بدون تحمل هزینه بهره‌مند شود» (لیتل، ۱۳۷۳: ۹۴).

محقق دیگری به نام «راسل هاردین»<sup>۲</sup> بر تحلیل‌های اولسون خرده گرفته آنها را ساده‌اندیشانه می‌داند. او بر دامنه قشربندی در داخل گروه و نسبت دخل به خرج تأکید می‌کند. اگر نسبت دخل به خرج بیشتر باشد، در مواردی گروه کوچک‌تری در داخل گروه بزرگ‌تر چندان از منفعت جمعی منتفع می‌شود که حاضر است پرداخت همه مخارج برنامه جمعی را تقبل کند.

با این وصف، فرض اساسی تئوری اختیار عاقلانه این است که افراد همه کارها را بر اساس فایده استدلال می‌کنند و آن را مبنای اختیار عمل مشارکتی یا غیرمشارکتی قرار می‌دهند. افراد در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش نشان می‌دهند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده تسریع و تسهیل خواهد شد؛ در غیر این صورت، ترجیح خواهند داد که همواره به شکل انفرادی عمل نمایند. رویکرد اختیار عاقلانه از سوی ساختارگرایان و مفسران مورد انتقاد قرار گرفته است. «لوکس» بر این مدعا است که گرچه عاملان در چارچوب محدودیت‌های ساختاری فعالیت می‌کنند، دارای خودسالاری نسبی بوده و می‌توانند به صورت دیگر نیز عمل نمایند (آرکلگک، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

کارکردگرایان، نهادهای مشارکتی را برحسب آثاری که بر نظام اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند. سازمان‌ها، گروه‌ها و تشکل‌ها، نهادهایی هستند که از مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌پذیرند و

1. Machnun Olson  
2. Russell Hardin

از سویی نیز بر همدیگر و به نوبه خود بر جامعه اثر می‌گذارند و از آن متأثر می‌شوند. تبیین کارکردی، شرح دقیق اثرهای یک نهاد بر محیطی است که در آن قرار گرفته است؛ یک تبیین کامل از یک نهاد معین باید شامل کل اثرهای آن بر تمام بخش‌های محیط باشد. از این دیدگاه، مشارکت و نهادهای مشارکتی، زمانی در جامعه گسترش می‌یابد که در بقا و تعادل اجتماعی دارای تأثیر باشد. علت اینکه مردم در مراسم ازدواج و فوت داوطلبانه شرکت می‌کنند به‌ویژه در جوامع سنتی و در تأمین نیازهای مالی مراسم مذکور مشارکت می‌نمایند، این است که مشارکت در این مراسم موجبات حفظ همبستگی اجتماعی را فراهم می‌کند. با اینکه روستاییان داوطلبانه تشکیل‌هایی نظیر همیاری‌ها را به وجود می‌آورند به این دلیل است که در تأمین نیازهای روستاییان و حفظ آن اثرگذار بوده‌اند و بدون وجود آنها و اقدامات جمعی، نظام اجتماعی با مشکل مواجه می‌شد، اما با تغییر ساختار اجتماعی و عدم کارکرد تشکلهای سنتی این تشکلهای خودبه‌خود از بین می‌روند. کارکردگریان مفهوم عدم کارکرد را در این رابطه به کار می‌برند. از این دیدگاه، پروژه‌های توسعه هرچه با نیازهای محلی، سازگاری بیشتری داشته باشند، مردم در پیش‌برد آنها مشارکت مطلوبی خواهند داشت (آرکلگ، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

از نظر ساختارگرایان، ساختارهای اجتماعی، نظام‌هایی هستند که رفتارهای مشارکتی را هدایت یا محدود می‌کنند. در تبیین این عامل که چرا کشاورزی انگلستان دچار دگرگونی ساختاری شد و به زراعت سرمایه‌داری روی آورد، اما کشاورزی فرانسه را که بی‌تحول ماند، رابرت برنر معتقد است که تفاوت میان دو نظام مالکیتی - اجتماعی دو کشور، عامل اصلی در این امر است. نظام زمینداری در انگلستان، چنان بود که قدرت و انگیزه نوسازی زراعی را به مالکان می‌داد، اما همین نظام در فرانسه، چنان به دهقانان قدرت می‌داد که می‌توانستند در برابر نوسازی مقاومت مؤثری نشان دهند (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۹).

با توجه به آنچه گفته شد، ساختارها و چارچوب‌های قانونی، نقش اساسی در گسترش مشارکت ایفا می‌کنند. بدون داشتن پشتوانه قانونی، کنش‌ها و رفتارهای انسانی مشروعیت نداشته و نهادی نمی‌شوند. به همین دلیل نیز نهادی شدن مشارکت و وجود چارچوب قانونی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. البته، باید توجه داشت که وجود قوانین امری لازم است، اما کافی نیست. مشارکت صرفاً با تدوین یک سلسله قوانین و مقررات تحقق نمی‌پذیرد، بلکه مهم‌ترین مسئله، ایجاد فضای مناسب برای مشارکت فعالانه افراد است. بسیاری بر این عقیده‌اند که دیوان‌سالاری

دولتی ضد مشارکت است؛ زیرا ساختار رسمی نظام اداری، معمولاً به گونه‌ای است که مجال رشد نهادهای غیررسمی را نمی‌دهد و در برابر خواسته‌های مردم مقاومت نشان می‌دهد. حق تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها در قوانین اساسی همه کشورها به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، رسماً تأیید شده است. حال به رغم تمام قوانین مربوط به اجتماعات، تقریباً در اغلب موارد، هدف اصلی حکومت‌ها حفظ وضع موجود است. قوانین صرفاً انجمن‌ها را به رسمیت می‌شناسند و هیچ‌یک از تسهیلاتی که در اختیار نهادهای دولتی قرار می‌گیرد، مانند دسترسی به اطلاعات، دسترسی به رسانه‌هایی چون رادیو و تلویزیون، معافیت مالیاتی، برخورداری از یارانه، حذف موانع قانونی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود.

اغلب بازنگری‌های صورت گرفته در زمینه مشارکت، بر این نکته تأکید دارد که مشارکت تنها در مواقعی، در بعضی جاها و با برخی از مردم اثربخش است. برای این منظور، افراد باید:

(۱) درباره این موضوع قدری تخصص داشته باشند؛

(۲) برای مشارکت از خود اشتیاق نشان دهند؛

(۳) احساس کنند که به‌راستی مساعدت به عمل می‌آورند. (میچل، ۱۳۷۹: ۶۱۱).

### تبیین شاخص‌های امنیت داخلی مشارکت مردمی

برای بیان شاخص‌های امنیت داخلی مشارکت مردمی، دو دیدگاه را می‌توان مطرح کرد:

#### دیدگاه اول

این دیدگاه خود به بخش یا مؤلفه قابل تقسیم است:

الف) آمادگی مردمی برای مشارکت: این مؤلفه به دو بُعد زیر تقسیم می‌شود و هر یک از ابعاد

شاخص‌های امنیت داخلی مشارکت مردمی را به طور مجزا بیان می‌کنند:

۱- آمادگی عینی با داشتن شاخص‌های:

\* پاسخگویی به محیط؛

\* مشارکت نخبگان و افراد بانفوذ؛

\* آمادگی همراهی مردم؛

\* زمین قومی، فرهنگی مذهبی و ...

۲- آمادگی ذهنی با داشتن شاخص‌های:

\* آشنایی فکری مردم با امنیت؛

\* احساس ضرورت نزد مردم؛

\* اعتماد مردم به مسئولان؛

\* انسجام فکری و ادراک جمعی.

ب) آمادگی برای مدیریت مشارکت مردمی: این مؤلفه نیز همچون مؤلفه (الف) دارای ابعاد و

شاخص‌های زیر است:

۱- آمادگی عینی با داشتن شاخص‌های:

\* فضای فرهنگی و اجتماعی؛

\* وظایف قابل واگذاری به مردم؛

\* مشارکت‌پذیری؛

\* ساختارسازی برای مشارکت مردم.

۲- آمادگی ذهنی با داشتن شاخص‌های:

\* دیدگاه‌های مدیریتی؛

\* احساس ضرورت؛

\* اعتماد به مردم؛

\* انسجام در افکار مدیران.

## دیدگاه دوم

این دیدگاه را می‌توان مؤلفه «مشارکت فرهنگی اجتماعی» نیز در نظر گرفت که خود با داشتن

دو بُعد زیر به طرح شاخص‌های منحصر به فرد امنیت داخلی می‌پردازد:

الف) بُعد فیزیکی: این بُعد، شاخص‌های امنیت داخلی مشارکت مردمی را به صورت زیر بیان می‌کند:

\* به کارگیری هسته‌های مردمی در جمع‌آوری اطلاعات و کنترل امنیت؛

\* پیاده‌سازی طرح تسلیح افراد بومی و توسعه امنیت مردمی؛

\* جذب و به کارگیری افراد بومی در یگان‌های نظامی و امنیتی منطقه؛

\* مشارکت دادن مسئولان بومی در مراکز تصمیم‌گیری امنیتی منطقه.

ب) بُعد غیر فیزیکی

- \* ایجاد فضای ذهنی محیط در پذیرش نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی غیربومی منطقه؛
- \* کنترل بحران‌های مرزی رقیب و همسایه؛
- \* سهولت بخشی به تردهای مرزی برای بومیان منطقه.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل پژوهش

نقش شهید حاج قاسم سلیمانی در حوزه فرهنگی اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی از مهم‌ترین موضوعات در اداره کشور، امنیت داخلی آن است و مهم‌ترین و مطمئن‌ترین شیوه‌ها برای حفظ و تداوم امنیت داخلی، بهره‌گیری از پشتیبانی و حمایت آحاد مردم جامعه می‌باشد تا بتوان به کمک و مساعدت آنها تولید امنیت نموده و آن را حفظ، توسعه و پایدار کرد. مهم‌ترین راه برای به دست آوردن حمایت مردم، منسجم کردن آنها از طریق افراد کاریزما و اثربخش در هدایت افرادی است که دارای علائق، منافع و یا آرمان مشترک هستند؛ بنابراین با امعان نظر به ۴۳ سال مقاومت و تجارب ارزشمند و گران سنگ انقلاب اسلامی، ضرورت تکیه بر تجارب میدانی را با محوریت افراد اثرگذار بر مشارکت و قابلیت‌های بهره‌برداری از آن دوچندان می‌کند. نقش محوری فرماندهان، مدیران و شخصیت‌های تأثیرگذار به ویژه در چهار دهه گذشته در محیط ملی انکارناپذیر است. از این رو، پرداختن به اشخاص و دستیابی به نظام اندیشه‌ای و نوع معرفت به هستی‌شناسی امنیتی آنها در مواجهه با بحران‌ها و آشوب‌ها امری ضروری است. در این میان، شخصیت سپهبد شهید قاسم سلیمانی یکی از موضوعات درخور پژوهش در حوزه امنیت پژوهی و به ویژه در حوزه فرهنگی اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی است. از این رو سبک و اندیشه این شهید بزرگوار به مثابه موضوعی مهم و جدی در حوزه امنیت پژوهی و به عنوان تجربه‌ای ماندگار در ردیف دستاوردهای اندیشه‌ای و معنایی انقلاب اسلامی و یکی از روش‌های مهم و مطلوب نسبت به جلب مشارکت مردم است. در ادامه به مصادیق نقش حاج قاسم سلیمانی در افزایش عینی مشارکت اجتماعی اشاره می‌شود.

## ایجاد فرهنگ حضور مسئولان در بین مردم بومی منطقه

آسمان دو دل است و ابر زمستانی فضای روستا را پوشانده. عقربه‌های ساعت به ۱۰ دقیقه قبل از ظهر رسیده، اما هوا همچنان گرگ‌ومیش و کوجه‌های پر از درخت گردوی لخت و بی‌برگ قنات ملک خلوت است. زنی حدوداً ۶۰ ساله، ماسک سفیدش را تا زیر چانه پایین می‌برد، با لهجه نزدیک به کرمانی و صدای بلند به گودال جلوی خانه‌اش اشاره می‌کند و می‌گوید می‌خواهد این کانال پر شود. «پسرم دو روز دیگر برمی‌گردد، ولی اینجا را کنده‌اند و نمی‌شود ماشینش را داخل بیاورد. خدا خیرتان دهد، همین جلوی در را پر کنید. پنج روز پیش آمدند اینجا را کنند و رفتند.» درون کانال نوار پلاستیکی و زردرنگ شرکت گاز خودنمایی می‌کند و پیرزن هم مدام بحث را تغییر می‌دهد.

اسم قاسم سلیمانی را که می‌شنود، انگار گوشش زنگ می‌زند: «بله همیشه اینجا می‌آید. وقتی هم که می‌آید معمولاً به همه سر می‌زند یا در همین مسجد سخنرانی می‌کند. خدا پشت و پناهنش». در پاسخ به این پرسش که آیا سلیمانی به شما کمک می‌کند، می‌گوید: «بله به همه کمک می‌کند. عید؛ برنج، گوشت، قند و از این چیزها می‌آورد و بین همه مردم تقسیم می‌کند. خدا را شکر؛ حاجی ما را تنها نمی‌گذارد. چانش سلامت باشد.»

اگرچه برای بسیاری از هم‌زمان حاج قاسم، جنگ در تابستان سال ۱۳۶۷ به پایان رسید، ولی برای او آغاز دوران جدیدی در میادین نبرد بود. وی به واسطه حضور در مرزهای شرقی و سابقه مبارزه با اشراک و باندهای مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان، در سال ۱۳۶۷ از سوی امام خامنه‌ای، فرمانده کل قوا از کرمان به تهران فراخوانده و مسئولیت فرماندهی سپاه قدس به او سپرده شد. از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار سلیمانی بر نیروی سپاه قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی از جمله جنگ سی‌وسه روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل دیدیم.

در واقع حاج قاسم سلیمانی توانسته بود راهبرد جمهوری اسلامی یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کرده و هر روز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد.

## تقویت احساس تعلق اسلام وطنی

حاج قاسم سلیمانی در زمان وقوع سیل با اینکه یک فرمانده ارشد جنگی و چهره نظامی بود، سلاح خود را بر زمین گذاشت و برای کمک و یاری رساندن مردم سیل زده بین آنها حضور یافت. حضور ساده و بدون تکلف وی در میان مردم و حرف زدن با آنها به زبان خودشان عربی، سختی‌های دوران سیل را برای آنها به حلاوت تبدیل کرد. به خصوص آنجا که حاج قاسم سلیمانی با لباس‌های بسیار ساده و در حالی که روی یکی از سیل‌بندها در میان مردم محلی نشسته بود به مرد عرب دشداشه‌پوش که از مسئولان گلایه می‌کرد به زبان عربی و با زبانی شیرین و با طنز می‌گوید: «باران نبارد ناراحت می‌شوی، باران بیارد هم ناراحت می‌شوی»، صحنه‌ای ماندگار از فداکاری‌ها و مردمی بودن سردار حاج قاسم سلیمانی را در ذهن مردم خوزستان حک کرده است.

حاج قاسم در دوران سیل با رفتار و منش خود کاری کرد که بعد از شهادتش، از کودک تا پیرمرد عشایری در تشییع جنازه او در اهواز شرکت کردند.

در همان روزها در مصاحبه‌ای تاریخی فرمودند: «در حال حاضر بسیاری اصرار می‌کنند که برای دفاع از حریم اهل بیت (علیه‌السلام) به سوریه اعزام شوند؛ اما خوزستان در این حادثه نوعی دفاع از حرم است؛ زیرا دفاع از حرم چه چیزی بالاتر از این است که کرامت یک انسان را حفظ کنید تا از خانه‌اش آواره نشود یا اینکه در اردوگاه‌ها کرامتش حفظ شود.

آن روزها گروهی از نیروهای حشدالشعبی و «جیش النجباء» که یکی از چهل و چند تشکل تحت هدایت بسیج مردمی عراق است، با یکصد خودرو سبک و سنگین و تجهیزاتشان از مرز مهران وارد ایران و روانه نواحی سیل زده شده‌اند. برخی هم از حضور نیروهای جهادی فاطمیون متشکل از داوطلبان مدافع حرم از همسایگان شرقی، در استان لرستان برای یاری رساندن به سیل‌زدگان خبر دادند.

در ابتدا بیانیه‌ای انتشار یافت که در آن حشدالشعبی اعلام داشته بود یگان مهندسی و برخی ماشین‌آلات سنگین این سازمان برای منحرف کردن جریان آب سیل و جلوگیری از ورود آن به عراق وارد خاک ایران شده است. در ادامه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد بیان داشت که اعضای حشدالشعبی با اخذ روایتی از نمایندگی دیپلماتیک ایران در عراق برای کمک‌رسانی خواستار سفر به استان‌های غربی کشور شده‌اند.



ابومهدی المهندس، فرمانده نیروهای حشدالشعبی عراق درباره حضور نیروهای خود در مناطق سیل‌زده ایران گفته بود: از تمام امکانات خود برای کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده از سیل، از موصل عراق تا اهواز استفاده می‌کنیم.

### غنا بخشی فرهنگی، اجتماعی در سطح جامعه

سید ابراهیم یزدی نژاد جانباز و رزمنده دوران دفاع مقدس به شرح ماجرای از حاج قاسم سلیمانی در مورد مسئولیت فرهنگی ایشان می‌پردازد:

شخصیت حاج قاسم یک شخصیت عملیاتی پیچیده در جبهه جنگ است؛ اما در کنار همه این احوالات ایشان در مسائل فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی صاحب نظر بود به این معنی که نظر تکمیلی را همیشه او می‌گفت و کسی دیگر روی سخن او حرف نمی‌زد چون بهتر از نظر حاج قاسم وجود نداشت.

در ابتدای جنگ تحمیلی تعداد رسانه‌ها بسیار محدود بود و بیشتر رسانه ملی وجود داشت، این رسانه‌ها در فضای جنگ و یا در لشکر می‌آمدند و مواردی را ضبط و بعدها منتشر می‌کردند و مهم‌تر از همه در آن زمان انتشار محتوای رسانه‌ها لحظه‌ای نبود یعنی بعد از ضبط، چند روز طول می‌کشید تا خبر انتشار داده شود.

در دوران جنگ روزنامه‌هایی که هر از چندگاهی به جبهه می‌آمدند از طرف حاج قاسم حمایت می‌شدند، در هر نشست آموزشی، عملیاتی، برای استفاده در آینده جلسات ضبط می‌شد حاج قاسم به این موضوع نیز نگاه ویژه‌ای داشت.

شاید مهم‌ترین کار فرهنگی ماندگار در استان کرمان که در سطح کشور بی‌نظیر بود فعالیت‌های انجام‌شده در کنگره سرداران و شهدای استان کرمان و سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۵۷ بود؛ اولین موضوعی که در کنگره سرداران و شهدای استان کرمان و سیستان و بلوچستان در آن سال مطرح شد، انتشار نشریه‌ای بود که بتواند زبان کنگره باشد.

وی افزود: مجوز رسمی فرهنگ و ارشاد اسلامی برای هفته نامه تارالله با مدیر مسئولی حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۸ ثبت شد و در استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان انتشار داده می‌شد. جالب است بدانید در کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تنها مطبوعه‌ای که روی دکه می‌رود هفته نامه تارالله است.

## ایجاد همبستگی فرهنگی در جامعه

حجت‌الاسلام حجت گنابادی نژاد، رئیس سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی و معاون فرهنگی لشکر فاطمیون اظهار می‌کند: ایشان حامی محرومان و مستضعفان و پیشگام مبارزه با استکبار جهانی بود که حقیقتاً نبود ایشان خسارت عظیمی بر پیکره امت اسلامی و آزادگان عالم وارد کرد. زیست و زندگی جهادی این شهید والامقام، درس‌ها و افق‌های بی‌نظیری محسوب می‌شود و پیامی که از خون او به جامانده باب جدیدی است که مسئولیت آن بر دوش همه ما به ویژه نخبگان عرصه فرهنگ است. حاج قاسم سلیمانی یک عمر برای دفاع از ولایت قدم بر می‌داشت، میدان جهاد هیچ‌گاه برای او تعطیل نشد بعد از دفاع مقدس، به تدریج گروه‌های تروریستی با نام‌های القاعده، طالبان و... در افغانستان نامنی ایجاد کردند که تا مرز خراسان ادامه یافت و تا مینودشت رسید، یکی از نیروهایی که وارد میدان نبرد شد و کاری کارستان در مقابل ناامنی‌های شرق کشور انجام داد؛ لشکر ۴۱ ثارالله و حاج قاسم سلیمانی بود. پس از پایان جریان شرق کشور، شیعیان افغانستانی در برابر بازماندگان موالید نامشروع آمریکا ایستادند و یگان‌هایی که با شیعیان افغانستانی تشکیل شد و نقش و فرماندهی حاج قاسم در آن زمان درخشان بود.

چهل سال رژیم صهیونیستی جنوب لبنان را اشغال کرده بود و جنگ‌های متعددی در گرفته بود، اما هیچ‌گاه در طول چهل سال نتوانستیم در برابر رژیم غاصب اسرائیل پیروز شویم، اما با حضور حاج قاسم سلیمانی پرونده رژیم صهیونیستیدر جنوب لبنان بسته شد و با وجود جنگ تمام‌عیار از دریا، آسمان و زمین، رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه لبنان سلی محکمی از سردار شهید قاسم سلیمانی خورد. حاج قاسم مرد گلایه، انتقاد و شکوایه نبود، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی سرباز به تمام معنای ولایت بود و این تمام راز و رمز موفقیت ایشان است که غیر از اطاعت مسیر دیگری برای خودش فرض نمی‌کرد.

حاج قاسم سلیمانی و هم‌زمانش با همه کمبودها و سختی‌ها غریبانه جنگیدند، هیچ تریبونی گلایه‌ای از حاج قاسم سلیمانی نشنیده است، هیچ مصاحبه‌ای از این شهید والامقام در رابطه با کمبودها و سختی‌ها منعکس نشده است چون حاج قاسم مرد گلایه، انتقاد و شکوایه نبود؛ او مرد جهاد و مبارزه بود.

## ارتقای منزلت فرهنگی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای همسایه

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را نباید یک چهره نظامی صرف دانست. درست است که او یک نابغه نظامی بود و در سخت‌ترین شرایط جنگی همواره راه‌حلی برای برون‌رفت از بحران داشت، با این حال هیچ‌گاه از مسائل فرهنگی غافل نبود. با وجود تمام مشغله‌های زیاد، حاج قاسم هیچ‌گاه جبهه فرهنگی را رها نکرد و دل‌مشغولی‌هایش بابت این بخش را بارها در صحبت‌ها، یادداشت‌ها و خاطراتش نشان داد.

عکس‌های ایشان نشان می‌دهد در هواپیما یا در اوقاتی که مجالی فراهم می‌شد، مشغول مطالعه و کتاب خواندن است. چون فعالیت‌های نظامی و جهادی این فرمانده خوشنام بسیار پررنگ و درخشان است عموم مردم از وجه فرهنگی ایشان غافل هستند و کمتر از آن شنیده‌اند. سردار سلیمانی را باید یک فرمانده نظامی و فرهنگی دانست. مردی که در طول حیاتش بر خواندن و معرفی کتاب‌های حوزه دفاع مقدس تأکید می‌کرد و گاه با معرفی آثاری، از جوانان علاقه‌مند می‌خواست این کتاب‌ها را بخوانند. در ادامه نگاهی به دغدغه‌های فرهنگی سردار سلیمانی داریم و مروری بر کتاب‌هایی که ایشان معرفی کرده، می‌اندازیم.

### الف: یک منتقد ادبی دلسوز

ترویج کتابخوانی یکی از دغدغه‌های مهم سردار سلیمانی بود. این را نویسندگان و فعالان فرهنگی که به حاج قاسم نزدیک بودند، اذعان می‌کنند. ایشان گاهی در مقام یک منتقد ادبی حاضر می‌شد و با خوانش دقیق کتاب‌ها، جزئیات ریز و دقیقی را به نویسندگان گوشزد می‌کرد. حاج قاسم از دوران دفاع مقدس فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله<sup>(ع)</sup> کرمان بود و از جوانی در مرکز عملیات‌ها و تصمیم‌گیری‌ها حضور داشت و اطلاعات دقیقی از اتفاقات جنگ داشت و بسیاری از شهدا را می‌شناخت. همین حضور داشتن و در صحنه بودن در سال‌های پس از دفاع مقدس نیز وجود داشت تا سردار سلیمانی را به چهره‌ای آگاه و مطلع از شرایط روز تبدیل کند.

پس برای نویسندگان چه کسی بهتر از حاج قاسم برای مشورت گرفتن و کسب اطلاع کردن وجود داشت. ایشان با راهنمایی‌هایشان اطلاعات دقیق و مستندی به نویسندگان می‌داد و پس از اتمام کار، آثار خوب و باکیفیت را به خوانندگان معرفی می‌کرد. محمدرضا بایرامی نویسنده

کتاب «سه گانه‌ای برای یگانه»، در این کتاب داستان زندگی حاج علی محمدی پور از نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله را روایت می‌کند. بایرامی بعد از تحریر، این کتاب را به سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی هدیه می‌دهد تا ایشان کتاب را مطالعه کند و شهید سلیمانی با دقت نظر و متواضعانه اشکالاتی را از این کتاب به نویسنده ارائه می‌دهد: و در نامه‌ای با لحنی صمیمی و گرم خطاب به نویسنده کتاب می‌نویسد: «من این شهیدی را که در باره اش نوشته‌ای، از سالیان سال پیش می‌شناسم. با هم بزرگ شده ایم، با هم به جنگ رفته ایم، با هم در منطقه بوده ایم، با هم در عملیات شرکت کردیم... من شب تا صبح نشستم و کتاب تو را خواندم و گریه کردم. من دست شما را می‌بوسم، اما شهدای ما خودشان به اندازه کافی بزرگ هستند. لازم نیست در موردشان اغراق کنیم...».

همین چند جمله خودمانی باعث می‌شود تا نویسنده کتاب متوجه اشتباهات کتاب شود و به خوبی این موضوع را بپذیرد. بایرامی واکنشش پس از خواندن این نامه را چنین بازگو کرده بود: «اگر به عنوان متولی زندگی داستانی شهید محمدی پور، به من دستور داده بود که باید فلان اصلاحات را انجام بدهی، بعید نبود که جواب تندی بدهم؛ اما ایشان حتی خواهش هم نکرده بود؛ بلکه گوشه‌ای از دلش را در نگاه به موضوع، به روی من گشوده بود.»

### ب: سفیر فرهنگی محبوب

«آن بیست و سه نفر» کتاب دیگری در رابطه با آزادگان است که سردار سلیمانی با دقت و وسواس آن را مطالعه کرده و به دیگران نیز معرفی کرده است. ماجرای نوجوان‌هایی ۱۵ تا ۱۷ سال که دیدارشان با صدام را می‌توان جزو ۱۰ واقعه مهم دوران دفاع مقدس قلمداد کرد. البته کتاب فقط شرح همین ماجرا نیست، بلکه روایت هشت ماه از اسارت ۹ ساله احمد یوسف‌زاده، یکی از همین ۲۳ نفر است که با قلمی روان و ساده و درعین حال جذاب نوشته شده است. نویسنده به خوبی توانسته حالات انسانی و موقعیت وقوع رویدادها را ترسیم کند تا از همین رهگذر، هم به شرح ماجرای پیش آمده برای خود پردازد و هم مخاطب را با زندان‌های مخوف عراق و روزهای سخت اسرای ایرانی در این زندان‌ها آشنا کند. راوی کتاب اردیبهشت سال ۱۳۹۴ در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از نگارش نامه‌ای از سوی سردار سلیمانی خطاب به خود درباره این کتاب خبر داد. بخشی از متن نامه به این شرح است: «احمد عزیزم؛ تقریظ و تحسین رهبر عزیزمان مرا

تشویق به خواندن کتابت کرد و پس از قرائت آن به مقامت غبطه خوردم و افسوس که در کارنامه‌ام یک شب از آن شب‌ها و یک روز از آن روزهای گرفتار در قفس را ندارم. شماها عارفان حقیقی و عابدان به عبودیت رسیده‌ای هستید که به عرش رسیدید، ای کاش در همان بالا بمانید. چه زیباست جوانان جوای کمال، کودکان کمال یافته در قفس دشمن را ببینند. ای کاش سفیران در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند و چگونه سفیر بودن را بیاموزند.» سردار سلیمانی حتی سر صحنه فیلم سینمایی «۲۳ نفر» حاضر شده و با دوستان قدیمش دیدار کرده بود.

سردار سلیمانی گاهی نقش سفیر فرهنگی را برای کشورمان ایفا می‌کرد. وقتی کتاب «پایی که جا ماند» به زبان عربی ترجمه شد، حاج قاسم این کتاب را برای جوانان عراقی برد و آن‌ها با خواندنش با روحیه و مقاومت ایرانی‌ها بیشتر آشنا شدند. هر جا حاج قاسم حضور داشته، نشانی از فعالیت‌های فرهنگی ایشان هم دیده می‌شد. حاج قاسم در دوران حیات به دنبال جاری کردن روحیه جهاد و مقاومت و آشنا شدن مردم با ارزش‌های دفاع مقدس بود. او در سیره و سبک زندگی میراث دار شهدا بود و در فعالیت‌های فرهنگی‌اش نیز تمام تلاشش را برای معرفی فرهنگ دفاع مقدس و مقاومت کرد. سردار شهید سلیمانی که سال‌ها به عنوان فرمانده، شاهد رشادت‌ها و مقاومت‌های رزمندگان بوده، همواره دغدغه معرفی این روحیه را داشت و بهترین قاصد برای این کار بود.

### مردم و کمک به حاج قاسم سلیمانی

فکر نمی‌کردیم آخر مردم منطقه این طور به کارمان سرعت بدهند. این هم از فکرهای تاب حاجی بود. به ما خبر داده بودند، هواپیمای سپاه به ارتفاعات سیرچ در کرمان برخورد کرده است. به چه جان‌کنندی باید خودمان را می‌رساندیم آنجا، مگر می‌شد؟ کولاک برف، به ما اجازه رفتن نمی‌داد. سوز و سرمايش به کنار، یخبندان بود. چند قدم که می‌رفتیم سر می‌خوردیم می‌آمدیم پایین‌تر. خودمان نمی‌توانستیم توی برف راه برویم چطور جنازه‌ها را می‌آوردیم پایین؟ هوای مه-آلود هم اجازه حرکت به بالگرد را نمی‌داد. خلاصه خیلی کارمان به زحمت جلو می‌رفت. از سپاه و ارتش، از هلال‌احمر و کوهنوردان ایرانی و غیر ایرانی برای کمک آمده بودند. حاجی به محض

آمدنش تا اوضاع را دید گفت: «اگه می‌خواهید به کارتون سرعت بدین عشایر بافت و رابر رو بیارید.»

هماهنگی‌اش با حاجی بود. خودش زنگ زد گفت: «فلانی و فلانی و هر چی آدم می‌تونید بیارید.» دویست نفر عشایر آوردند. آمدند کمکمان حتی بعضی‌هاشیا کفش مخصوص کوهنوردی نمی‌خواستند. به خاطر شرایط زندگی‌شان کاملاً با کوه‌آشنایی داشتند. راهشان را سریع‌تر از ما می‌گرفتند و می‌رفتند بالا، دنبال ۲۷۶ جنازه توی برف مانده. پیدایشان که می‌کردند با چادرشب می‌بستند روی کولشان و می‌آوردند پایین. کار عشایر و فکر ناب حاجی حسابی به کارمان سرعت داده بود. (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۴۹)

### حاج قاسم سلیمانی و کمک به مردم زلزله زده

خبر زلزله بم و از دست دادن هموطنان عزیزمان، پاک همه‌مان را به هم ریخته بود. حاجی مطلع که شد یک‌راست آمدم. چشمش که به سر و وضع شهر افتاد از زور غم و غصه زنگ زد به فلان مسئول کشوری. گفت: «نشستی توی تهران نمی‌دونی اینجا چه خبره، بیا به داد مردم برس.» توی آن آشفته‌بازاری که همه آمده بودند برای کمک، بچه‌های جبهه و جنگ را صدا زد. عده‌ای را گذاشت پیکرهای بی‌جان را جمع کنند. عده‌ای هم کمک‌های مردمی را سروسامان بدهند. عده‌ای هم امدادسانی انجام دهند. خودش با حاج احمد کاظمی در فرودگاه مستقر شدند. پروازها از تهران و جاهایی دیگر بلند می‌شدند و می‌نشستند توی بم. خیلی‌ها ایراد گرفتند. فرودگاه بم امکاناتی نداشت. متروکه بود. حتی پله نداشتیم مردم بروند بالا سوار هواپیما شوند. حاجی گفت: «جوان‌ها رو جمع کن دولا بشن کمک کنن مردم برن بالا.» چاره نبود. تا پله برسد همین کار را می‌کردیم. کمک حاجی و احمد کاظمی بود که فرودگاه راه افتاد. فکرش را که می‌کنم می‌بینم اگر حاجی و حاج احمد نبودند جان خیلی‌ها از دست می‌رفت. خیلی از مجروح‌هایی که از زیر آوار بیرون آمده بودند اما کسی نبود به دادشان برسد.

### تقویت عمل به تکلیف و جذب مردم

من و آدم‌های خودم، من و رفقای خودم، این بی‌حجاب، این باحجاب، این این‌جوریه، اون اون‌جوریه، این چپ است، این راست است، این اصلاح طلب است اون اصول‌گرا است، خوب

کسی را می‌خواهید حس کنید من اصلاً قبول ندارم در بین بچه حزب‌اللهی‌ها بگیم این آدم با اون شکل و قیافه، همون دختر کم‌حجاب دختر منه، دختر ما و شماست، نه دختر خاص ما و شماست دختر جامعه ماست.

فقط رابطه حزب‌اللهی با حزب‌اللهی معنا ندارد رابطه حزب‌اللهی با کسی که دینش ضعیف‌تر است موضوعیت دارد، باید این کار را بکنیم. لذا جامعه ما خانواده ماست. اینها مردم ما هستند، بچه‌های ما هستند، باید بیفتیم دنبال اینکه بریم بین مردم و جذب کرد.

### ساده زیستی و همراه مردم

داشتیم می‌رفتیم مأموریت. توی فرودگاه شلوغی جمعیت را که دیدم دویدم جلوی حاجی. گفتم: «صبر کنید کمی خلوت بشه بعد برید.» راهش را گرفت و رفت میان مردم. انگار نه انگار که ممکن است خطری تهدیدش کند. کار یک‌بار و دوبارش که نبود. یادم هست وقتی خواهش کردم از در دیگر گیت فرودگاه برود» گفت: «نه. من هم مثل همه مردمم.

مثل همه مردم توی صف می‌ایستاد. مثل همه مردم با صف جلو می‌رفت. مثل همه مردم از گیت رد می‌شد. (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۵۱) سر صبحی جایی باز نبود. با حسین آن‌قدر خیابان‌ها را بالا و پایین رفتیم تا مغازه‌ها تک‌تک باز شدند. میهمان عزیزی داشتیم. می‌خواستیم برای ناهار سنگ تمام بگذاریم. حسین گفت مامان این کارو نکن، حاج قاسم ناراحت می‌شه. فکر نمی‌کنم یه نوع غذا بیشتر بخوره.

خریده‌ایمان را که کردیم، تصمیم گرفتم یک غذای محلی شمالی بپزم. دوباره تلفن خانه زنگ خورد. صدای همان آقای بود که صبح تماس گرفته بود. پر از دلهره شدم. خدای من، نکند میهمانی به هم خورده باشد؟ بنده خدا گفت: «مهمون شما فقط حاج قاسم هستن، برای بیشتر از یک نفر تهیه نینید. حاجی گفتن ناهار ساده باشه.» (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۷۳)

### • یار صمیمی خانواده شهدا

افطاری دعوت بودیم، جمع خانواده‌های شهدا جمع بود. فرمانده هم آمده بود. حاج قاسم برای احوال‌پرسی سر تک‌تک میزها می‌رفت. سر میز ما که آمد، سراغ فاطمه و زینب را هم گرفت. اسم

بچه‌های شهدا خوب در ذهنش می‌ماند. حسین تشکر کرد که ما را برای افطاری دعوت کرده‌اند. حاجی با لبخند گفت: «شما هم دعوت کنید، میام.» من که باورم نمی‌شد. آخر حاجی یک سر داشت و هزار سودا. چطور می‌توانست وقت بگذارد بیاید خانه ما؟! برای اینکه مطمئن شوم، از حسین پرسیدم: «حاجی شوخی که نمی‌کنه؟» پسر هم مثل من تعجب کرده بود اما گفت: «فکر نمی‌کنم، خیلی جدی بود.» چند بار با یکی از دوستان حاجی تماس گرفتم. هر بار می‌گفتند حاجی ایران نیست. هفت صبح تلفن زنگ خورد: «حاج قاسم سلام رسوندن. گفتن برای نهار میام منزل شما.»

### خدمت به جانبازان

اسمش ناصر توبه‌ای بود؛ فرمانده یکی از گردان‌های لشکر ۴۱ ثارالله (ع) قطع نخاع شده بود، بی‌حرکت افتاده بود کنج خانه‌اش. همین که می‌رسید، به همسر ناصر می‌گفت: «توی این دو روزی که اینجام همه کارها با من.» اول از همه حمام را آماده می‌کرد. ناصر را بغل می‌گرفت و می‌برد حمام. سرش را شامپو می‌زد، بدنش را لیف و صابون می‌کرد، کمرش را کیسه می‌کشید. بعد هم تنش را حسابی با آب گرم می‌شست و با حوله خشک می‌کرد. آخر سر هم یک دست لباس جدیدی را که برای ناصر خریده بود تنش می‌کرد. دوباره بغلش می‌گرفت و از حمام می‌آمدند بیرون. خلاصه حسابی ترگل‌ورگلش می‌کرد؛ درست مثل یک تازه‌داماد. این دو روزه نمی‌گذاشت خانم خانه پا توی آشپزخانه بگذارد. هر سه وعده غذا رو خودش آماده می‌کرد. تازه یک وعده هم باروبندیل جمع می‌کردند و می‌رفتند توی دل طبیعت تا ناصر آب‌وهوایی عوض کند. آنجا هم همه کارها با حاج قاسم بود. بعد از دو روز راه می‌افتاد می‌رفت سمت کرمان، سمت روستای قنات ملک. می‌رفت خدمتگزار پدر و مادرش باشد (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۴۲).

### حاج قاسم سلیمانی وقت کار با کسی تعارف نداشت

حاج قاسم سلیمانی سه بار زنگ زده، حتماً کار مهمی داره. تازه از سر کار برگشته بودم. همسر من می‌خواست که با حاجی تماس بگیرم، اما یاد برخورد تندش افتادم و بی‌اعتنا از کنار تلفن گذشتم. دوباره تلفن به صدا در آمد. گوشی را برداشتم. خودش بود. بعد از حال و احوال، به خاطر کاری که کرده بودم، تشکر کرد و گفت: «کاری که انجام دادی خیلی ارزشمند بود.» همان کاری



که سرش باهم دعوایمان شده بود را می‌گفت. چند بار تشکر کرد و با خداحافظی تلفن را گذاشتم. لبخند آمد روی لب‌هایم. همسرم گفت: «چی شده بود؟» گفتم: «هیچی! امروز به خاطر کار یه جر و بحثی شد، الان حاجی تماس گرفته از دلم دربیاره. اگر شب زنگ نمی‌زد، خوابش نمی‌برد. الان دیگه رفت راحت بخوابه.»

وقت کار با کسی تعارف نداشت. برایش فرقی نمی‌کرد طرف رفیق سی‌چهل ساله‌اش است یا تازه به او رسیده. به وقتش، شاید بدترین تنبیه‌های نظامی را هم به خرج می‌داد؛ اما نمی‌گذاشت روزی بگذرد و طرف دلخور بماند. الان که فکر می‌کنم، می‌بینم هیچ‌کس روی کره‌زمین پیدا نمی‌شود که از حاجی دلخوری داشته باشد؛ هرچه بود همان ساعت‌های اول از دل طرف درمی‌آورد (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۳۸).

### رویش مشارکت جدید مردمی در حفظ انقلاب اسلامی

حضور ده‌ها میلیونی ملت ایران در بدرقه چهره برجسته جبهه مقاومت شهید سردار حاج قاسم سلیمانی از جمله رویدادهای بی‌نظیر فرهنگی اجتماعی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) آن را بزرگ‌ترین بدرقه جهان نام نهادند.

اساساً معرفت و اندیشه فرهنگی اجتماعی شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان خادم و فدایی ملت در جامعه جهادگونه پرورش یافته و زمینه‌های اطلاعات‌پذیری، ولایت‌مداری و بصیرت را همراه با اخلاق و تعقل، ایشان را در یک فضای مؤثر مشارکت مردم در امنیت داخلی قرار داد که ما آن را در قالب شهید ممتاز جبهه مقاومت می‌توانیم ببینیم.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن دقت کرد این است که فرد از درون جامعه زاییده می‌شود و شخصیت او در بستر معرفت و اندیشه اخلاقی، فرهنگی اجتماعی متبلور می‌گردد.

در واقع حضور مردم در بدرقه پیکر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نشان‌دهنده مؤلفه ارتباط منطقی است که به شکل یک مثلث ارتباط بین مردم، نظام سیاسی و شهید حاج قاسم سلیمانی ترسیم می‌شود.

در تشییع و بدرقه سردار ملی، معرفت به واقعیت و رستگاری و فوز عظیم تبدیل گردید و جنس معرفت از علم و فرهنگ پررنگ‌تر شد و ما حضور میلیون‌ها عزادار ایرانی و صدها هزار نفر عزادار غیرایرانی را می‌بینیم که چگونه از حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان شهید بین‌المللی مقاومت و

فرد حماسه‌ساز تاریخ ایران و جهان اسلام به نیکی یاد می‌کنند به گونه‌ای که این نقطه وصلی برای مردمان آزاده می‌شود. تجلی حضور قلبی و روحانی مردم در تجلیل و تکریم از حاج قاسم و توجه به نقطه اتصال مردم با حقیقت شعارهای انقلاب اسلامی را می‌توانیم رویش معرفتی جدید نسبت به فصل تازه انقلاب اسلامی بدانیم. مردم هر جا دیدند که شعارهای انقلاب اسلامی همراه با عمل پُررنگ است به همانجا توجه پیدا می‌کنند. شعارهایی که عملیاتی، عینی و عملی است و لقلقه زبان نیست. شعارهایی که استقلال و مقاومت و ایثار و مردم‌مداری را مورد توجه قرار می‌دهند. همانگونه که رهبر معظم انقلاب هم فرمودند بحث حاج قاسم یک بحث بسیار مهمی است که باید آن را در قالب یک مکتب دید. ما حاج قاسم را باید در چارچوب مکتب امام خمینی (ره) و منطق انقلاب اسلامی فهم کنیم. حتی نه یک بار فهم بلکه به صورت هر مونوتیک مضاعف آن را بفهمیم و این فهم مضاعف می‌تواند بعد از چهل سال با همه مشکلات و کژکارآمدی‌های مدیریتی، با این همه تهاجم مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تحریم‌های بین‌المللی، دوباره انقلابی دیگر در ایران را آغاز کند و آن انقلاب قلب‌ها و دل‌ها نسبت به تکریم خط جریان اصیل انقلاب اسلامی است که رفاه، امنیت، آزادی و استقلال را مورد توجه قرار می‌دهد.

زبان مردم هم در این تشیع بر اساس جامعه‌شناسی معرفت، زبان کردار، زبان گفتار، زبان عمل، زبان عامل بودن و مقاومت بصیرانه حاج قاسم بود. زبانی که در عین حال که عاقلانه است و هزینه فایده سیستمی را نگاه می‌کند، در عین حال یک قدم از اصول خودش عقب‌نشینی نخواهد کرد. و این نکته را باید دقت کرد که زبان مردم با زبان حاج قاسم، زبان همسویی با قانون اساسی و مصالحه است. زبان یکدلی، وحدت، سپاس و شکرگزاری. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند زبان صبر و شکرگزاری برای مردم تشیع‌کننده است. همین زبانی که حاج قاسم به انواع مختلف در اقسام شرایط زندگی فرهنگی اجتماعی و سیاسی خودشان داشتند و ما نباید این نکته را فراموش کنیم.

بر اساس نشانه‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفت می‌توانیم بگوییم که تشیع شهدای مقاومت ثابت کرد که اکثریت ملت طرفدار نظام جمهوری اسلامی ایران هستند که بعد از چهل سال دوباره خوانش عملی و عینی شعارهای انقلاب اسلامی را دیدند و تأیید کردند. همان اکثریتی که انقلاب اسلامی را تأیید و قبول کردند، همان اکثریت هم حاج قاسم را تکریم و تعظیم کردند و او را به عنوان یک ابرمرد جهادگر مورد توجه قرار دادند. البته اقلیت ناهمراه هم همیشه بوده و هستند؛ همان اقلیتی که اول انقلاب همراهی نکردند و به دنبال پناه گرفتن از غرب و اشرافیت ناسالم هستند.

نکته بعدی، در واقع تشییع حاج قاسم سلیمانی، این سردار بزرگ و عزیز ثابت کرد که با وجود مشکلات، با وجود عصبانی بودن مردم، با وجود مسائل و تنگناهای مختلف، اما مردم با حفظ هویت ایرانی-اسلامی به دنبال رویش‌های اصیل استقلال و آزادی هستند. هر جا رویشی باشد، و آن رویش را ببینند، هر جا ثمرات عملی و عینی استقلال، آزادی و انسانیت و بندگی را ببینند، همان جا حضور پیدا می‌کنند. مردم ثابت کردند که نه تنها به آخر خط نرسیده‌اند، بلکه دوباره سرخط هستند و باید انقلاب اسلامی را دوباره و متناسب با مکتب امام(ره) و رهبر معظم انقلاب برای حفظ ارزش‌ها و اصول‌ها خوانش کرد.

تشییع پیکر مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی نشان داد که مردم همیشه جلوتر از عافیت‌طلبان هستند. مردم دارای بصیرت و بینش فرهنگی مستحکمی هستند که می‌توانند سره را از ناسره تشخیص دهند. تشییع و بدرقه حاج قاسم نشان داد که فصل تازه‌ای در فرهنگ دینی و مردم‌سالاری دینی جامعه ما ایجاد شده و این فصل نوین را که رهبر معظم انقلاب از آن به «ایام‌الله» یاد کردند باید به فال نیک بگیریم. و این حجتی برای همه کارگزاران، حوزویان، دانشگاهیان، روشنفکران، مدیران و تمامی مقامات است که مردم حجت را تمام کردند و مردم گفتند که ما اگر اخلاص، مبارزه، جهاد، مجاهدت و تلاش صادقانه را ببینیم حتماً تعظیم خواهیم کرد و مورد توجه و سپاس ما قرار می‌گیرد.

## نتیجه‌گیری

امنیت عمومی مهم‌ترین کار ویژه دولت‌ها به معنای اعم و فلسفه وجودی حاکمیت کشور می‌باشد که برای تأمین آن، روند و رویکردهای قابل توجهی در ادبیات امنیت پدید آمده است. از دیرباز امنیت دارای ریشه انسانی و مردمی بوده است و حکومت‌ها با ایجاد امنیت محور اصلی حکومت خود را تشکیل داده‌اند بنابراین اولین مطالبه هر ملتی از حکومت خود امنیت می‌باشد. برخلاف این اصل هدف بعضی از حکومت‌ها ایجاد منافع طبقه مسلط و حاکم بر جامعه یا کشور بوده و امنیت به عنوان یکی از لوازم توسعه و اهرم مورد نیاز در فرآیند اصلاحات مورد توجه واقع شده است. اینگونه حکومت‌ها خیلی پایدار نمی‌باشند و دائماً در کنش با مردم هستند، هم‌اکنون امنیت عمومی با رویکرد مشارکت‌جویی و جامعه‌محوری اهمیت یافته است و این بدان معناست که امنیت موضوعی فرابخشی است که جامعه یا نهادهای امنیتی، هر کدام به تنهایی قادر به

تولید، حفظ و توسعه آن نیستند؛ بلکه کلّ نظام اجتماعی و منافع جمعی درگیر آن است و تأمین آن بدون مشارکت و همکاری ارگانیک مردم و دولت مقدور نخواهد بود.

این موضوع در کشورهای در حال گذار و توسعه، ضرورت بیشتری دارد؛ بنابراین پرداختن به مبحث امنیت داخلی از منظر جامعه‌نگر و رفتارشناسی با تأکید بر تجارب میدانی نخبگان ملی همچون شهید حاج قاسم سلیمانی مبتنی بر عدالت، انصاف، اخلاق، عمل به تکلیف، شجاعت، ایثار، از خودگذشتگی، کاریزماتیک بودن موجب تأثیرگذاری بر مشارکت نهادینه مردم شده که از نیازهای اساسی کشور و دستگاه‌های مسئول امنیت داخلی است. سبک و اندیشه شهیدان به مثابه موضوعی مهم و جدی در حوزه امنیت‌پژوهی و به عنوان تجربه‌ای ماندگار در ردیف دستاوردهای اندیشه‌ای و معنایی انقلاب اسلامی، یکی از روش‌های مهم و مطلوب نسبت به جلب مشارکت مردم است. اگر انسان‌ها اهمیت موضوع و تبعات ناخوشایند ناامنی را درک کنند، مشارکت خود را در این راستا به کار خواهند گرفت. مشارکت و همکاری مردم در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی امنیتی باعث افزایش سطح امنیت کشور و به وجود آمدن احساس امنیت و نیز انسجام می‌شود. این پژوهش، در مجموع بر اساس مجموعه تجزیه و تحلیل‌ها، عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مشارکت نهادینه مردم در امنیت داخلی با تأکید بر نقش حاج قاسم را در موارد زیر به دست آورد:

- ۱- ایجاد فرهنگ حضور مسئولان ملی در بین مردم بومی منطقه؛
- ۲- تقویت احساس تعلق به اسلام و وطنی و ملت ایران؛
- ۳- کاهش ذهنیت در تفاوت بین اقوام و مذاهب؛
- ۴- غنابخشی فرهنگی اجتماعی در سطح جامعه؛
- ۵- ایجاد همبستگی فرهنگی در جامعه؛
- ۶- ایجاد افتخارات ملی نزد همه قشرهای جامعه؛
- ۷- توجه خاص به اسطوره‌های محلی، منطقه‌ای و ملی؛
- ۸- جایگاه نخبگان علمی را ارج نهادن و اعلام داشتن؛
- ۹- ارتقای منزلت فرهنگی اجتماعی جمهوری اسلامی در بین کشورهای همسایه؛
- ۱۰- تکریم موارث فرهنگی محلی، منطقه‌ای و ملی؛
- ۱۱- تقویت عمل به تکالیف و عدم دنیاپرستی؛
- ۱۲- تقویت علائق قومی و محلی با احترام به آنها.

## فهرست منابع

- آیات نورانی قرآن کریم، الهی قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۹۶)، تهران: نشر نگار اندیشه.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۶)، تهران: قابل دسترسی در: WWW.Khamenei.
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه نور، جلد ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۹، ۲۰، تهران: نشر آثار حضرت امام (ره).
- پوپر، کارل (۱۳۶۹)، جامعه باز و دشمنان آن؛ ترجمه علی اصغر مهاجری؛ تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰)، اندیشه دفاعی حضرت امام (ره).
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۳)، اندیشه دفاعی حضرت امام (ره).
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی؛ تهران انتشارات کیهان.
- طهماسبی، عالمه، (۱۳۹۹)، سلیمانی عزیز، قم: نشر حماسه یاران.
- لیتل، دانیل، (۱۳۷۳) مقدمه ای بر فلسفه اجتماعی، نشر مولف، تهران.
- وینر، مایرون (۱۳۵۰)، نوسازی جامعه؛ ترجمه رحمت الله مقدم مراغه ای و دیگران؛ تهران انتشارات فراکلین.
- میچل، ترنس، (۱۳۷۹) مردم در سازمانها: زمینه رفتار سازمانی، رشد، تهران.
- مدرسی، محمدتقی و محسن زاده (۱۳۷۹)، اهداف و آرمانهای جامعه اسلامی، انتشارات امیر، چاپ اول، تهران.
- احمدوند، علی محمد (۱۳۸۹)، راهبردهای ارتقاء امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات دفاعی استراتژیک.
- و توسعه روستایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد.
- قراخانی، علی (۱۳۸۲)، نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- عسگری، (۱۳۸۹)، اندیشه دفاعی حضرت امام (ره).
- لک زایی، نجف (۱۳۸۹)، فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)؛ مطالعات راهبردی سال سیزدهم؛ شماره ۳ (پیاپی ۴۹).
- محمدی فرد، مهدی (۱۳۷۸)، تبیین نظری الگوهای مشارکت اجتماعی و تاثیر آن بر امنیت ملی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳ و ۴، تهران.
- مولایی، یوسف، (۱۳۷۹) مشارکت مردم، منشاء مشروعیت حاکمیت تهران، نشریه بازتاب اندیشه شماره ۴.
- <https://parsmodir.com> / آرش حبیبی.
- پایگاه اطلاع رسانی: KHAMENEI.IR.

